



دست ایران بسته نیست

سیدمحمدخاتمی، رهبر جریان اصلاحات در آستانه عاشورای حسینی پیامی را منتشر کرد. در بخشی از این پیام آمده است: «در آستانه عاشورای حسینی که درس آموز عزت و آزادی به همه انسان ها و بهویژه نوازنده روح ایرانی برای مقاومت در برابر بیداد بوده است، به پیشوای بزرگ ایمان و آزادی، حضرت امام حسین علیه‌السلام و شهیدان گرانقدر کربلا درود می‌فرستم و ضمن عرض ادب و احترام به ملت شریف و عزتمند ایران، به عنوان شهروندی دغدغه‌مند باز هم درباره امروز کشور و بیم‌ها و امیدها به بیان سخنی کوتاه می‌پردازم.» در بخش دیگر این پیام آمده است: «در جریان آنچه رخ داد دو مسئله روشن شد: نخست آنکه اسرائیل جز به ویران کردن کشور ایران و زمینه‌سازی برای تجزیه آن نمی‌اندیشد و متأسفانه در این راه تازه، حضور گسترده سازمان تروریستی خود یعنی امکانات فنی پیشرفته و شبکه نفوذ را با کمک همه‌جانبه دولت مغرور آمریکا به کار گرفت و حاکمیت سیاسی را در کشور نشان رفت. دوم ابراز همدلی و همبستگی و هوشمندی ملت بزرگ ما بود که در سطوح مختلف اجتماعی و سیاسی و علمی و هنری و فرهنگی و مدنی در داخل و خارج ایران برای مقابله با تجاوز بیگانه و حفظ میهن و تمامیت ارضی ایران تجلی یافت.» رهبر جریان اصلاحات در ادامه این بیانیه تصریح کرده است: «دشمن اگر چه آسیب‌هایی به کشور و ملت و حکومت وارد کرد، ولی در این مرحله نفعی به خواسته‌های نهایی خود یعنی به انقیاد درآوردن میهن و ملت، با نابودی زیرساخت‌های حیاتی کشور اعم از دفاعی و علمی و اقتصادی و سرنگونی حکومت و ایجاد آشفتگی نرسید، بلکه صدایی یکپارچه از همه ملت و جریان‌ها و نیروهای فعال سیاسی و مدنی شنید؛ صدایی که در پاسداری از وطن راه گم نکرد و حتی اگر اختلاف‌نظر در نحوه حکمرانی و رویکردهای سیاسی و اجرایی داشت، در برابر هرگونه تجاوزگری متحد و مقتدر ایستاد. نعمت این همدلی و هم‌نوایی و همبستگی را باید شکر نهاد و ضرورت آن، اکنون بیش و پیش از همه بر دوش حکومت است که هوشمندانه در روند کم کردن آلام و نگرانی‌های مردم و جلب رضایت خبگان و تمام ملت و شنیدن صدای آنان، گام‌های پر شتاب‌تر و استوارتر بردارد.» او در ادامه افزوده است: «اسرائیل و آمریکا و قدرت‌های بزرگ و نهادهای بین‌المللی هم باید دریابند که از راه جنگ نمی‌توان به صلح رسید و منطقه‌ای را که نیازمند آرامش و همزیستی و پیشرفت است، در معرض آتشی گسترده قرار داد که آتش آن دامان همه منطقه و جهان را خواهد گرفت. این جنگ همه‌جانبه نشان داد اگر چه به لحاظ امکانات نظامی و پشتیبانی‌های جهانی، ایران قابل مقایسه با اسرائیل مورد حمایت آمریکا و دیگران نبود ولی قدرت دفاعی آن متکی بر دانش و فناوری و برنامه‌ریزی تماماً ایرانی بود که توانست حصار بسیار امن پدافندی گنبد آهنین دشمن را در هم بشکند. به اعتبار این موارد است که می‌توان قدرت خداوند مهربان و توان تاب‌آوارانه و جانفزای ملت را به وضوح دید و نشان داد که ایران ماند و می‌ماند و توانایی عبور از بحران‌های سهمگین را دارد. حال باید نگرانی‌ها و بیم‌ها را از چهره ملک و ملت زدود و به جای آن افق امن و مطمئن را به توسعه‌یاب‌دار و همه‌جانبه‌گشود. برای دستیابی به این مهم امروز به رغم دشواری‌های متعدد و پیچیده دست ایران برای مذاکره و حل مسائل مزمن و جدید بسته نیست. بزرگ‌ترین سرمایه کنونی ما وحدت و انسجام ملی در دفاع از میهن و تمامیت ارضی و استقلال کشور، شکست رژیم صهیونیستی در دستیابی به اهداف شوم خود و جلب توجه افکار عمومی در منطقه و جهان به حقانیت ایران است.» در پایان این پیام آمده است: «ایران در فرایند ورود به گفت‌وگوهای ایام اخیر نشان داد که در عین هوشیاری از مذاکره منطقی و عادلانه و حتی رسیدن به راه حل‌هایی که خواست طرف مقابل در حد معقول برآورده شود، استقبال کرده است و می‌کند. حال آمریکا از یک‌سو باید گرگ زخمی و درنده اسرائیل را از تجاوز مجدد و تکرار تجربه‌ای که برای منطقه و جهان و طرفین مذاکره تلخ است، بازدارد و خود نیز منطقاً به این نتیجه برسد که راهی به جز مذاکره با احترام متقابل برای دسترسی هر دو طرف به خواست‌های مشروع و منافع واقعی ملت‌ها و کشورها وجود ندارد. دشمنان ما دیگر نمی‌توانند در این وهم باقی بمانند که ایران و ایرانیان را می‌توان از طریق جنگ نظامی و روانی و نقض حاکمیت ملی و سیاسی تسلیم خواسته‌های نامشروع و تجاوزگرانه کرد. ایران زنده بوده و خواهد بود، زنده‌یاد ملت ایران و گرمای یاد همه شهیدان این ایام و پایداری همه زنان و مردان ایرانی.»

دین و
سیاست

عزاداری ملی - مذهبی

بررسی فضای سیاسی - اجتماعی محرم امسال که متأثر از جنگ بود



منصوره محمدی

خبرنگار گروه سیاست

رابطه میان اسلام و مردم در طول تاریخ ایران، رابطه‌ی ناسازگاری نبوده است و همین مسئله باعث شده تا در قرون آتی که دولت - ملت‌ها تعریف شدند و موضوع ملت و ملی‌گرایی به میان آمد؛ با تقویت عنصر ملیت و طرح مباحث مرتبط با ملی‌گرایی، عده‌ای در طول تاریخ معاصر به نزدیک‌سازی دین و ملی‌گرایی و جلوگیری از تخطئه هر کدام توسط دیگری بپردازند. در پی تحولات ایران معاصر هرازه‌گاهی هر کدام از آنها دست بالا را داشتند و در برهه‌هایی نیز به تقویت یکدیگر پرداختند. رابطه تقابلی و حذفی میان

دین و ملیت پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ یکی از موضوعاتی بود که متجر به ظهور جریان‌های سیاسی ملی - مذهبی شد. در دوران پهلوی، متأسفانه ملی‌گرایی به عنوان ابزار نظام سیاسی حاکم در جهت گسترش اقتدار سیاسی خود مورد استفاده قرار گرفت و در جریان انقلاب اسلامی ایران نیز ملی‌گرایی از سوی برخی انقلابیون مورد حمله قرار گرفت. حال آنکه هر دو رویکرد واکنش‌هایی را در میان روشنفکران و اندیشمندان ملی و مذهبی و همچنین سنت‌گرایان ایرانی ایجاد کرد. در نخستین سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران که هم‌زمان با جنگ تحمیلی هشت‌ساله ایران و عراق بود، دین نقش بسیار مهمی

در معنا دادن به جنگ و حفظ تمامیت ارضی کشور داشت. چنانچه دین در این دوران جایگاه بالایی در ادبیات و موسیقی حماسی جنگ داشت و در انسجام ملی ایرانی‌ها نیز اثرگذار بود. مفهوم «عاشورا» یک الگوی مقدس برای ایرانی‌ها بود و جنگ با عراق به مثابه ادامه راه امام حسین نبیین می‌شد. در آن سال‌ها به دلیل عملکرد آیه‌دار حکومت پهلوی در قبال دین در دوران پهلوی، کم‌کم مبارزه سیاسی با باورهای مذهبی در هم آمیخت و در سال‌های پس از پیروزی انقلاب و دوران جنگ نیز استفاده از نمادهای اسلام به سرعت مورد قبول رزمندگان و مردم قرار می‌گرفت. در آن بین همه چیز دست به دست هم داد تا در جامعه ما واقعه عاشورا عنوان نماد مقاومت در برابر ظلم و بارها و بارها مطرح و بازسازی شود و هویت ملی ایرانی و هویت مذهبی او به خوبی سازگار شود. گریزی بر وصیت‌نامه شهدای هشت سال دفاع مقدس گواهی بر این مسئله است که حفاظت از خاک ایران، با تکیه بر مذهب رنگ می‌گرفت. در یک مقاله علمی و پژوهشی که توسط گودرز تافته و سجاد زارعی انجام شد، تأثیر ارزش‌های دینی و اخلاقی بر اصول جنگ در دوران دفاع مقدس بررسی شد. نتایج این پژوهش نشان داد سه شاخص دینی روحیه شهادت طلبی، ایثار و اطاعت‌پذیری به عنوان تأثیرگذارترین شاخص‌های دینی در دوران جنگ هشت‌ساله شناخته و تأثیر ارزش‌های دینی و اخلاقی بر اصول جنگ در دفاع مقدس مورد پذیرش قرار گرفت. این رویکرد در

محمدتقی فاضل‌میبدی استاد حوزه و دانشگاه:

می‌توان از دین قرائتی داشت
که همه جامعه را زیر چتر یک پرچم درآورد

ملیت اقوام مختلفی با نژادهای مختلف، زبان‌های مختلف و مذاهب مختلف زیست می‌کنند و مهم است که تمام مذاهب، اقوام و نژادهای مختلف در کشور از ملیت دفاع می‌کنند. جنگ اخیر نیز نشان داد که مردم به پای وطن و ملیت هستند و ایران برایشان خط قرمز است. مثلاً ممکن است که اگر کسی به اسلام حمله کند و یا آن را مسخره کند برای یک غیرمسلمان مهم نباشد ولو اینکه داخل ایران هم زندگی کند اما اگر بخواهد به گوشه‌ای از خاک کشور تجاوز شود، همه مردم ما به این مسئله واکنش نشان می‌دهند و این موضوع را جنگ اخیر به خوبی نشان داد. اما مهم توجه به این نکته است که حاکمیت از یکپارچگی، اتحاد و همدلی مردم سوءاستفاده ابزاری نکنند. اگر به عملکرد صداوسیما نگاه کنید، فقط تا آنجایی با ملیت و مردم همدل هستند که در جهت منافع خودشان باشد و اگر منتقد و یا مخالفی وجود داشت چندان بهایی به آن نمی‌دادند. اگر رویکرد همین باشد به نظر من خطرناک است، یعنی دقیقاً در مقابل این ملت باید دولت قرار گیرد و نه حاکم به معنای قدیمی؛ دولت یعنی کسی که هم از منافع مردم دفاع می‌کند، چه مردم مسلمان و چه غیرمسلمان و هم از حقوق شهروندی آن‌ها حفاظت می‌کند. متأسفانه برخی افراد الان به دلیل انتقاد در زندان هستند و در حمله اخیری که به زندان اوین شد هم آن‌ها

را آزاد نکرده‌اند. در حالی که باید آن‌ها را آزاد کنند و نحوه برخورد با ملیت است که کشور را نجات می‌دهد. در جریان جنگ ایران و عراق هم ملیت بود که در مقابل تجاوزات صدام ایستاد، الان هم این ملیت و وطن‌پرستی بود که در برابر تجاوزات آمریکا و اسرائیل ایستاد و باز هم اگر تجاوزی شود این ایستادگی را نشان خواهد داد. این روحیه و همبستگی به‌وجود آمده باید حفظ شود و در سخنرانی‌های ما، ادبیات ما، خطبه‌های ما باید لحاظ شود و تلاش برای حفظ آن امری موقت و گذرا نباشد.

❗ **آیا فکر می‌کنید در شرایط فعلی کشور این موضوع که برخی به آن اشاره دارند که باید از فرصت محرم برای کاهش فاصله مردم با دین و دینداری بهره برد؛ ضرورت دارد؟ و اگر بله چه عملی می‌تواند آن‌ها را در شرایط فعلی کشور به‌همدیگر نزدیک کند؟**

اگر پای دین را به همه جاکشاند، دین ضربه می‌خورد، ممکن است حقوق خیلی از شهروندان به رسمیت شناخته نشود، همانگونه که الان نیز در مورد حقوق برخی از مذاهب بحث است و این موضوع باید قویاً در چارچوب حقوق دنیای مدرنی که مورد قبول واقع است، حقوق هر شهروندی را نیز تأمین کرد. هر کسی در کشور ما و در هر کشور دیگری از هر مذهبی؛ مسلمان و غیرمسلمان باید به عقاید همدیگر احترام بگذارد، در قرآن نیز ذکر شده است که کسانی که چه یهود و چه مجوس و چه مسلمان هستند زمانی که کار نیک انجام دهند پیش خداوند سعادتمند هستند. متعجبم اینکه انتظار داشته باشیم پای دین را به همه جاک باز کنیم و حدود و ثغور شهروندی را دین قرار دهیم. در دنیای امروز قابل قبول نیست. آن چیزی که ما را در برابر تجاوز حفظ می‌کند و نجات خواهد داد و ملت را یکپارچه می‌کند مفهوم ملیت است.

❗ **در حال حاضر بخش قابل توجهی از برنامه‌های مذهبی در کشور ما توسط نهادهای مربوط به حکومت به اجرا درآمده است. تحلیل‌تان از این روند چیست و چطور می‌توان موجب تقویت انتقاد از حکومت به مثابه دین شد و جلوی تضعیف دین به خاطر اعمال متعبدیان و مستولان کشور را گرفت؟**

متأسفانه ما در ساختار قانون اساسی این مشکل را داریم که مذاهبی که به رسمیت شناخته شده محدود است و خیلی از غیرمسلمان‌ها را نیز از مناصبی که به افراد داده می‌شود محروم کرده است. در نتیجه ما به یک اصلاح ساختاری نیاز داریم که همه‌ی افراد و آحاد ملت را با حقوق یکسان زیر چتر خود بگیرد. اینکه فردی را به دلیل غیرمسلمان بودن از حقوق شهروندی محروم کنیم، اقدام درستی نیست. در مسئله سیاست و نظام‌مندی کشور آن چیزی که بر ادبیات سیاسی باید حاکم باشد مفهوم ملیت است.

❗ **بعد از جنگ رخ داده بین ایران و اسرائیل آیا حاکمیت تمایل دارد که به سستی حرکت کند که مفهوم دین را به همان چیزی که اشاره کردید حفظ کند و یا اینکه همان روال قبلی تکرار خواهد شد؟**

امیدوارم که اینگونه باشد و هیچ‌کس را به خاطر عقیده و مذهب از حقوق خود محروم نکنند و حاکمیت به این یکدلی احترام بگذارد و به این یکپارچگی با دید مثبت نگاه کند و آنرا حفظ کند و اینگونه حرکت

